

توانایی‌های زنان در اقتصاد تولیدی عشایر

مهدی محمدی*

چکیده

این مقاله به بررسی توانایی‌های زنان عشایر و تأکید بر نقش آنان در اقتصاد تولیدی عشایر در ۷۲ زیست‌بوم عشایری استان همدان می‌پردازد و سعی دارد با ارائه ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی زنان عشایر استان، جایگاه اقتصادی آنان را بررسی کند. اطلاعات پژوهش با روش ارزیابی مشارکتی روستایی علاوه بر استفاده از اسناد و مدارک موجود گردآوری شده است. مشاهدات و بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد فعالیت‌های دامداری و تولید فرآورده‌های دامی، جابه‌جایی و کوچ وابسته به کار و فعالیت زنان عشایر است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که میزان فعالیت زنان عشایر در زمینه اقتصاد تولیدی و غیرتولیدی بیشتر از مقدار مشابه آن نزد مردان است. مشارکت زنان در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز بیش از مردان است. به عبارتی آنها با سهمی معادل ۸۵ درصد در فعالیت‌های اقتصادی عشایر مشارکت دارند. بین میزان ساعات فعالیت زنان و درآمد خانوار عشایری و نیز بین میزان مشارکت زنان، سن و موقعیت آنها رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی

عشایر، اقتصاد، تولید، دامداری، زنان، فعالیت‌های اجتماعی، نقش.

* . مسؤل بخش تحقیقات اقتصادی و اجتماعی مرکز تحقیقات جهاد کشاورزی استان همدان. nrcas@hotmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۸ شهریور ماه ۱۳۸۱.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱ تیر ماه ۱۳۸۲.

مقدمه

از نظر فرهنگی زنان و مردان عشایر وارث کهن‌ترین عناصر فرهنگ قومی هستند. وجود علائم و نشانه‌های کهنی از زبان و آداب و رسوم اجتماعی که در جوامع شهرنشین و حتی روستاها از میان رفته و یا در حال فروپاشی است، در میان اقوام چادرنشین یکی از نکات بارز و دلیل وابستگی آنان به فرهنگ قومی است.

عشایر در نگهداری و حفظ الگوهای کهن و برخوردهای جمعی از صادق‌ترین و استوارترین گروه‌های اجتماعی جامعه به شمار می‌روند. از این رو بررسی جامعه‌شناسی و قوم‌شناسی درباره آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

زنان عشایر علاوه بر عهده‌دار بودن کارهایی نظیر پخت نان، رسیدن پشم، دوشیدن دام، آوردن هیزم و آب، آشپزی و بچه‌داری، به تولید بافته‌هایی با نقوش زیبا می‌پردازند. تخیلات زن ایلیاتی که از ارتباط پیچیده و نیرومند او با طبیعت حکایت می‌کند الهام‌بخش او است و می‌توان سرچشمه‌های هنر اصیل و فرهنگ قومی را در هنر این گروه اجتماعی سراغ گرفت.

زنان عشایر که نیمی از جمعیت عشایر را شامل می‌شوند نقش عمده‌ای در تولیدات اقتصادی ایفا می‌کنند و نیز موجب استحکام خانواده می‌شوند. وضع زندگی زنان عشایر در مقایسه با مردان به مراتب سخت‌تر و نامطلوب‌تر است. زیرا ضمن محرومیت از امکانات رفاهی و بهداشتی، زحمات طاقت‌فرسایی را در زندگی عشایری تحمل می‌کنند. دسترسی نداشتن به سواد و آموزش، عدم دریافت مزد در مقابل کارهای سخت، نبود قدرت تصمیم‌گیری در مسائل خانوادگی و اجتماعی بخشی از محرومیت‌هایی است که در بین زنان عشایر وجود دارد.

از آن‌جا که فعالیت زنان عشایر تمام‌وقت، متنوع و در عین حال بدون دستمزد می‌باشد، جای این پرسش باقی است که اگر فعالیت اقتصادی زنان عشایر نبود، آیا اقتصاد عشایری پابرجا می‌ماند؟

این مقاله با ارائه اطلاعات کلی درباره بررسی شاخص‌های عمده در فعالیت زنان عشایر استان (مانند میزان عمومی فعالیت، میزان فعالیت اقتصادی، میزان فعالیت برحسب جنس و توزیع فعالیت برحسب گروه سنی و ...) درصدد بررسی و تبیین دو مسأله اساسی است:

۱. تعیین سهم زنان عشایر در تولید، نسبت به سهم کلی تولیدات جامعه عشایری و برآورد ارزش اقتصادی که در نتیجه کار زنان حاصل می‌گردد.
۲. بررسی شاخص‌های کمی فعالیت زنان عشایر و نوع فعالیت (مانند مقدار ساعات کار روزانه در بخش‌های صنایع دستی، دامداری، خانه‌داری و ...).

چارچوب مفهومی

از دهه ۵۰ میلادی به دنبال تشکیل سازمان‌های بین‌المللی که عهده‌دار امور برنامه‌ریزی توسعه هستند، برنامه‌های متنوعی به منظور بهبود شرایط زندگی زنان طراحی و اجرا گردیده است. نظریه‌های طراحی شده برای ارتقای سطح و میزان مشارکت زنان در برنامه‌های توسعه، بسیار گوناگون بوده است. بووینیک^۱ در سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۸۶ یکی از بهترین تقسیم‌بندی‌ها از این نظریه‌ها را در کشورهای جهان سوم ارائه نمود (شعبانعلی قمی، ۱۳۷۳: ۲۴).

۱. نظریه رفاه

این نظریه از قدیمی‌ترین و متداول‌ترین نظریه‌های توسعه اجتماعی در جهان سوم، به‌ویژه برای زنان بوده است. به اعتقاد بووینیک، برنامه‌های رفاهی برای بهبود وضعیت زندگی زنان بعد از جنگ دوم و برای گروه‌های آسیب‌پذیر به‌وجود آمد. از نظر وی نظریه رفاه به‌طور کلی بر مبنای سه پیش‌فرض بنا نهاده شده است:

یکم : زنان به‌عنوان عوامل فاقد جنبش و مفعول که شرکت فعالانه‌ای در فرایند توسعه نداشتند، به حساب می‌آمدند.

دوم : نقش مادرانه زنان به‌عنوان مهم‌ترین نقش اجتماعی آنها تلقی می‌شد.
سوم : بچه‌دار شدن و تربیت بچه مؤثرترین نقش زنان در همه اشکال توسعه اقتصادی شمرده می‌شد.

۲. نظریه برابری (عدالت)

بحث‌های این نظریه با این فرض که راهبردهای اقتصادی بر امور زنان اکثراً اثر منفی داشته، آغاز گردیده و تأکید دارد که زنان را باید از طریق استخدام و معرفی به بازار کار، وارد فرایند توسعه کرد.

طرفداران این نظریه برای استقلال مالی زنان اهمیت زیادی قائل بودند و ریشه زبردست بودن زنان را نه تنها در چارچوب خانواده، بلکه در روابط بین زن و مرد جست‌وجو می‌کردند. با توجه به این‌که در نظریه برابری سعی بر این است که احتیاجات استراتژیک زنان (برابری و ...) از طریق بالا به پایین و تنها از راه قانونی برآورده شود، در برخی مناطق و در کشورهای در حال توسعه سنت‌های محلی به صورت مانعی بر سر راه این تلاش عمل کرده و از موفقیت کارها کاسته شده است.

۳. نظریه فقرزدایی یا خودکفایی اقتصادی

این نظریه، نابرابری اقتصادی بین زنان و مردان را به فرمانبری و پایین‌تر بودن زنان ربط نداده، بلکه آن را نتیجه فقر می‌داند. در این نظریه راه و روش از بین بردن نابرابری‌های اقتصادی متفاوت از دو نظریه پیش می‌باشد.

بووینیک اعتقاد دارد که در واقع این همان برابری است که به صورت محافظه‌کارانه‌تری مطرح گردیده است. زیرا سازمان‌های توسعه رغبتی به دخالت در روابط زن و مرد ندارند و تنها تمرکز اصلی خود را بر نقش تولیدگری زن قرار می‌دهند.

۴. نظریه کارایی

در این نظریه که به عقیده برخی کارشناسان مسائل توسعه، مهم‌ترین نظریه در ارتباط با زنان است، تمرکز از زنان برداشته شده و بر محور توسعه قرار گرفته است. با این فرض که افزایش مشارکت زنان در امور اقتصادی کشورهای جهان سوم خودبه‌خود منجر به افزایش برابری خواهد شد. در نتیجه مشارکت زنان در امر توسعه اقتصادی، برابری و کارایی به هم متصل می‌باشند. در واقع در این نظریه اهمیت منابع انسانی - زنان به‌عنوان نیمی از این منابع - است که در جریان توسعه، یا از دست رفته و یا به اندازه کافی استفاده نشده است. این نظریه باروری، نگهداری و پرورش نیروی انسانی را که به‌وسیله زنان انجام می‌شود، در تعریف اقتصاد خرد مدنظر قرار نمی‌دهد، در نتیجه در سیستم منابع، کار بدون مزد زنان (بچه‌داری، تهیه خوراک و ...) نادیده گرفته می‌شود. برای کاهش این نادیده‌انگاری، برنامه‌های حمایتی متعدد و یارانه‌های غذایی برای زنان طراحی و اجرا شده که البته عواملی مانند سطح پایین سواد زنان و نبود تکنولوژی تولیدی مناسب، مشکلاتی را در مسیر اجرای برنامه‌ها به‌وجود آورده است.

۵. نظریه تواناسازی

در این نظریه نابرابری، بر مبنای طبقه اجتماعی، جنسیت و نژاد، محکوم شده و بر حقوق برابر زنان در مقابل مردان تأکید شده است. براساس این نظریه، هر فردی باید موقعیت آن را داشته باشد که از تمام توانایی‌ها و خلاقیت‌های خود استفاده کند و ارزش‌های زنان پیرامون حفاظت و همبستگی توصیف‌گر روابط انسانی باشد (دفتر امور زنان ریاست جمهوری، ۱۳۷۲: ۱۲۱-۸۷).

این نظریه براساس تجربیات به‌دست آمده در کشورهای در حال توسعه تدوین شده و مسأله زنان را از قالب یک نظریه با برچسب وارداتی یا غربی خارج کرده و نشان می‌دهد این پدیده در هر کشوری تاریخچه مستقل و در عین حال تشابهاتی دارد. طرفداران این نظریه از نابرابری زن و مرد در خانواده آگاهند، ولی براین حقیقت تأکید دارند که زنان ظلم‌های متفاوتی را تجربه می‌کنند و این به طبقه، تاریخچه استعماری و

موقعیت فعلی آنان بستگی دارد. از دیدگاه این نظریه، اهمیت افزایش قدرت زنان در جامعه به معنای برتری فردی بر فرد دیگر نیست بلکه به معنای افزایش توان زنان در جهت ارتقای خوداتکایی و قدرت درونی است. این نظریه به دنبال تواناسازی زنان از راه توزیع مجدد قدرت در مراحل تصمیم‌گیری خانواده و جامعه است.

این نظریه معتقد است که باید سازمان‌های سنتی و خدمت‌رسان که تمایلات طبقاتی داشته و دید محدودی برای فعالیت‌های مشارکتی دارند، کمک و تقویت شوند تا آگاهی بیشتری پیرامون مسائل زنان و نابرابری‌ها کسب نمایند. این نظریه بر پیش‌فرض‌های زیر استوار است:

- ارتقای توان زنان برای اتکا به خود موجب افزایش قدرت آنان خواهد شد.
 - قدرت نشانه برتری فرد نیست، بلکه بیانگر حق انتخاب در زندگی و تأثیرگذاری بر انتخاب‌ها است.
 - ارتقای موقعیت زنان بر موقعیت مردان هدف نیست، بلکه کنترل منابع مادی و غیرمادی می‌تواند به توزیع مجدد قدرت و برابری کمک کند.
- از نظر طرفداران این نظریه، برآورده ساختن نیازهای اساسی از حقوق اولیه تمام افراد است و هر فردی باید شانس آن را داشته باشد که از تمام توانایی‌ها و خلاقیت‌های خود استفاده کند. بنابراین زنان باید بیاموزند که با خودباوری و اعتماد به نفس، در پذیرش و توزیع مسؤولیت‌ها چه در خانواده و چه در جامعه شرکت کنند.
- در این چارچوب نظری، تأمین نیازهای استراتژیک جنسیتی و کاهش نابرابری‌ها در ساختار جامعه هدفی بلندمدت است و شرایط لازم برای تحقق آن باید در عرصه کلان ملی فراهم شود. ترویج ایده‌های نو برای تولید بیشتر و آموزش برای ایجاد کار در بخش رسمی و غیررسمی و مشارکت در سازمان‌های اجتماعی، هدف‌های کوتاه‌مدت در نظریه تواناسازی تلقی می‌شوند.

نظریه تواناسازی برخلاف نظریه رفاه که فقط نقش باروری زن را مدنظر قرار می‌دهد، به نقش‌های سه‌گانه زنان توجه دارد. یکی از تفاوت‌های مهم میان نظریه تواناسازی و نظریه برابری این است که نظریه تواناسازی سعی دارد نیازهای استراتژیک جنسیتی (حقوق برابر و ...) را به‌طور غیرمستقیم از طریق دستیابی به احتیاجات عملی جنسیتی (خوراک، پوشاک و...) به‌دست آورد و از برخورد مستقیم با مسأله تبعیض پرهیز کرده و از تأمین احتیاجات عملی به‌عنوان پایه‌ای که بتوان بر آن اقدامات دیگر را بنا نهاد، استفاده نماید.

به نظر می‌رسد نظریه تواناسازی ترکیبی از نظریات رفاه، برابری و فقرزدایی است با این تفاوت که طرفداران این نظریه برای عینیت بخشیدن به تغییرات بلندمدت به امید آغاز آن در سطوح بالای تصمیم‌گیری سازمان‌های دولتی باقی نمانده‌اند، بلکه تلاش سازمان‌های غیردولتی زنان و گروه‌های مشابه را برای بسیج سیاسی، آگاه‌سازی و آموزش همگان (زن و مرد) ضروری می‌دانند. به‌عبارت دیگر روش دستیابی به نیازهای استراتژیک جنسیتی، انتظار تغییر قوانین و جاری شدن آن از بالا به پایین نیست، بلکه تواناسازی زنان از طریق ارتقای آگاهی‌های مردان و زنان از طریق سازمان‌های غیردولتی باید راه موفقیت را هموار سازد.

تواناسازی زنان یک فرایند آرام جهانی است که در قالب این چارچوب نظری با توجه به هدف و ماهیت مباحث آن پنج مرحله تشخیص داده شده است:

- رفاه: در این مرحله به امکانات رفاهی و اولیه و کمبودهایی که در این زمینه وجود دارد توجه می‌شود، مانند آموزش، جاده، انرژی...
- دسترسی: منظور دسترسی به منابع و تسهیلاتی برای بهبود وضعیت زندگی است، مانند دسترسی به اعتبارات برای سرمایه‌گذاری یا خرید نهاده‌ها و...

- آگاه سازی: مرحله‌ای است که زنان به مشکلات خود و به عوامل بروز آن حساس می‌شوند، مانند توجه به وقوع سیل به‌عنوان یک مشکل در نتیجه از بین بردن پوشش گیاهی سرزمین.
 - مشارکت: زمینه حضور فعال زنان در این مرحله فراهم شده و آمادگی برای مشارکت داوطلبانه همگان در تمامی مراحل، از پیشنهاد راه‌حل‌ها تا اجرای آنها وجود دارد.
 - کنترل: در این مرحله زنان قدرت تصمیم‌گیری پیدا کرده، در مورد مشکل فکر می‌کنند، بهترین راه‌حل را پیشنهاد می‌دهند و بر تسهیلات اجرای راه‌حل تسلط دارند (شادی‌طلب، ۱۳۸۰: ۱۳۸-۱۳۶ به نقل از: یونیسف، ۱۳۷۲).
- با توجه به مفروضات کاربردی در نظریه تواناسازی، از این نظریه در این پژوهش استفاده شده است.

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل زنان عشایری استان همدان می‌باشد که در ۷۲ زیست‌بوم فصولی از سال را در این استان سپری می‌کنند. به‌منظور دستیابی به اطلاعات این پژوهش از روش اسنادی تاریخی^۱، روش پرسش‌نامه‌ای^۲، روش مشاهده‌ای^۳ و تکنیک ارزیابی مشارکتی روستایی^۴ استفاده شده است.

-
- 1 . Documentary-Historical
 - 2 . Questionary Method
 - 3 . Observational Method
 - 4 . Participatory Rural Appraisal (P. R. A)

یافته‌های پژوهش

۱. ویژگی‌های جمعیتی زنان عشایر استان همدان

در حال حاضر ۱۰ گروه عشایر مرکب از ۱۷ ایل و ۳ طایفه مستقل با ۱۵۵۵ خانوار (۱۴۰۵ خانوار بیلاق و ۱۵۰ خانوار قشلاق) و جمعیتی معادل ۱۰۱۲۹ (۵۳۰۶ نفر مرد، ۴۸۲۳ نفر زن) در استان همدان قلمرو زیست محیطی دارند. شهرستان‌های این استان شامل همدان، بهار، تویسرکان، ملایر، نهاوند، کیودرآهنگ، اسدآباد و رزن می‌باشد. از مجموع زنان عشایر استان همدان، شهرستان‌های همدان و تویسرکان به ترتیب ۳۶/۲۵ درصد و ۲۶/۵۸ درصد بیشترین جمعیت زنان عشایر را دارند (سازمان برنامه و بودجه استان همدان، ۱۳۷۷).

بعد خانوار

بعد خانوار در ایل ترکاشوند ۷ نفر، در ایل ترک ۶/۵ نفر، در ایل جمیر ۶/۹ نفر، و در طایفه مستقل شاهسونند ۷/۸ نفر است که در مقایسه با بعد خانوار روستایی ۵/۵ نفر، افزایش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. دلیل این افزایش وجود خانواده‌های گسترده با ملحقات آن در میان عشایر و نیاز به نیروی انسانی بیشتر در زندگی عشایری است.

نسبت سنی

بر اساس اطلاعات به دست آمده ساختمان جمعیت زنان عشایر جوان است زیرا بیش از ۶۹/۲ درصد جمعیت زنان عشایر را گروه سنی کمتر از ۲۴ سال، ۲۸/۶ درصد را گروه میانسال و ۲/۲ درصد را گروه بزرگسال تشکیل می‌دهد. افراد مورد مطالعه در این پژوهش در ۱۴ گروه سنی پنج ساله طبقه‌بندی شده‌اند. بیشترین زنان در گروه سنی ۴-۱۰ ساله به میزان ۱۹/۳ درصد و کمترین آنها در گروه سنی ۶۴-۶۰ ساله به میزان ۱/۸ درصد است.

جدول شماره ۱. جمعیت زنان عشایر نمونه به تفکیک گروه‌های سنی

فاصله سنی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی انباشته
۰-۴	۷۱	۱۹/۳	۱۹/۳
۵-۹	۶۱	۱۶/۴	۳۵/۷
۱۰-۱۴	۵۵	۱۴/۹	۵۰/۶
۱۵-۱۹	۴۰	۱۱/۱	۶۱/۷
۲۰-۲۴	۲۸	۷/۵	۶۹/۲
۲۵-۲۹	۲۲	۶/۰	۷۵/۲
۳۰-۳۴	۲۰	۵/۴	۸۰/۶
۳۵-۳۹	۱۸	۴/۸	۸۵/۴
۴۰-۴۴	۱۴	۳/۷	۸۹/۱
۴۵-۴۹	۹	۲/۳	۹۱/۴
۵۰-۵۴	۹	۲/۵	۹۳/۹
۵۵-۵۹	۸	۲/۱	۹۶/۰
۶۰-۶۴	۶	۱/۸	۹۷/۸
۶۵ سال و بیشتر	۸	۲/۲	۱۰۰
جمع کلیه سنین	۳۶۹	۱۰۰	-

سواد

امر سوادآموزی و نهاد آموزش و پرورش در دهه اخیر، اثری شگرف بر جمعیت زنان عشایر منطقه در بیلاق و قشلاق گذارده است. به‌خصوص در چند سال اخیر استفاده از آموزشیاران نهضت سوادآموزی برای آموزش بزرگسالان و استفاده از سرباز معلم برای آموزش افراد در سنین لازم‌التعلیم، موجب ارتقای سطح دانش شده است. کار آموزش رسمی با استقرار عشایر در منطقه قشلاق (آبان‌ماه تا بهمن‌ماه) شروع می‌شود و در منطقه بیلاقی (اردیبهشت‌ماه تا تیرماه) پایان می‌یابد. در حال حاضر ۶۵/۹

درصد از جمعیت زنان عشایر لازم‌التعلیم از نعمت سواد بی‌بهره و ۱۷/۳ درصد از سواد خواندن و نوشتن برخوردار و تنها ۵ درصد بالاتر از دیپلم هستند.

۲. تقسیم کار در جامعه عشایری

تقسیم کار در بین خانوارهای کوچ‌نشین برپایه جنس و سن استوار است. اما بعضی از کارها به وسیله هردو جنس انجام می‌شود. به عقیده افشارناداری، مردم‌شناس عشایری، ممکن است عوامل اکولوژیکی، فرهنگ و جنسیت در تقسیم‌کار مردان و زنان عشایری مؤثر باشند (افشارناداری، ۱۳۴۷: ۷۶-۷۴).

در جامعه عشایری اطفال (پسر و دختر)، از سنین بسیار پایین (۴ و ۵ سالگی) در کارهای تولیدی سهم هستند. در موقع دوشیدن شیر، بچه‌های بسیار کوچک بره‌ها و بزغاله‌ها را می‌گیرند تا شیر مادر را تمام نکنند.

نگهداری و چرای گله‌های بره و بزغاله به عهده پسران و دختران ۶ تا ۸ ساله است. غالباً دختران در ۸ سالگی با مشک‌های کوچک در آوردن آب به مادر خود کمک می‌کنند و گله‌های گوسفند را معمولاً پسرهای ۱۰ ساله برای چرا به کوهستان می‌برند. در مجموع گرچه به نظر می‌رسد در سنین پایین اختلافی در نوع کار بین پسر و دختر دیده نمی‌شود ولی تقسیم کار جنسیتی در سنین بالا به وضوح به چشم می‌خورد. براساس مشاهدات مشارکتی تقسیم کار در بین کوچ‌نشینان را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

کارهای زنانه

- بچه‌داری: شست و شو، تغذیه و تعویض لباس بچه‌ها
- پخت و پز: تهیه خمیر و پخت نان، تهیه غذاهای مختلف
- نظافت خانه: جارو کردن و تمیز نگهداشتن داخل سیاه‌چادر، مرتب کردن رخت‌خواب‌ها و شستن ظروف
- ریسندگی و بافندگی مطلقاً کار زنان است.

- خیاطی
- تهیه انواع مشک (برای حمل آب، دوغ، روغن) و کیسه پوستی (برای نگهداشتن غلات) (این وسایل از پوست گوسفند و گوساله تهیه می‌شود).
- تهیه فرآورده‌های لبنی
- فراهم کردن آب
- تهیه هیزم
- گردآوری سبزی‌های خوراکی در فصل بهار
- کارگری: در امور کشاورزی کارگری مختص زنان است و مردان در کارهای سنگین‌تر به آنان کمک می‌کنند.
- مواظبت از خانه و دام: در روزهایی که مردان در خانه نیستند یا خسته هستند این وظیفه به عهده زنان است.
- خرید و فروش کالاهای سبک
- جمع‌آوری محصول و خرمن‌کوبی: زنان در این کار مشارکت بیشتری دارند.
- زنان و دختران به‌طور موقت و در صورت نیاز به چوپانی می‌پردازند.

کارهای مردانه

- چوپانی: مواظبت از گوسفندان و سایر دام‌ها در مراتع برعهده مردان است.
- زراعت: اصولاً زراعت کار مردان است.
- فعالیت‌های سیاسی: فقط مردان در امور سیاسی دخالت دارند به‌طوری که در گردهمایی سیاسی به زنان اجازه شرکت داده نمی‌شود. ناگفته نماند که زنان به‌طور غیرمستقیم در انتخاب رابطین یا نمایندگان عشایر مداخله می‌کنند.
- داد و ستد: معاملات عمده به عهده مردان است.
- کشیک شبانه و محافظت از خانه و دام‌ها: دفاع از دام‌ها در مقابل حیوانات درنده و همچنین مواظبت از خانه و دام در مقابل دزدان از وظایف مردان است.
- قصابی و تهیه کباب بر عهده مردان است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین سن زنان و میزان فعالیت روزانه آنها ارتباط معنی‌داری وجود دارد. ۵۴/۵ درصد از زنان در سن فعالیت (۶۴-۱۴) قرار دارند در حالی که بیش از ۶۳ درصد از زنان در تمام فصول بیش از ۸ ساعت در روز کار می‌کنند. X^2 محاسبه شده (۳۹۳/۵۰۵) با احتساب $\alpha=۰/۰۱$ و $df=۴$ و $\alpha=۰/۹۹$ درصد احتمال، تأییدکننده این رابطه است. این رابطه با سایر آزمون‌های متقارن در مقیاس ترتیبی* در سطح ۰/۹۹ معنی‌دار است.

۳. زمینه‌های مشارکت و فعالیت اقتصادی زنان عشایر

زنان نقش مهمی در پایداری و استحکام نظام خانوادگی و قبیله‌ای دارند و فعالیت‌های تولیدی آنان در قالب اقتصاد مبتنی بر دامداری عشایری است. این فعالیت‌ها عمدتاً بر دوش زنان بوده و بدون دریافت مزد انجام می‌شود.

• فعالیت‌های تولیدی

فعالیت‌های زنان عشایر در بخش‌های کشاورزی - دامداری و صنایع دستی و خدمات جنسی آن متجلی می‌شود. مهم‌ترین فعالیت‌ها عبارتند از:

شیردوشی: این کار در ایلات و طوایف عشایر استان مطلقاً کار زنان و دختران است. اگرچه در انجام شیردوشی گاهی مردان نیز به زنان یاری می‌رسانند، ولی کمک آنان بیشتر در جهت هدایت گله به محل شیردوشی است.

تهیه فرآورده‌های لبنی: این فعالیت پس از شیردوشی و تبدیل شیر به ماست آغاز می‌شود. مشک‌زنی، تهیه کره، کشک، قره‌قورت و سایر فرآورده‌های لبنی از فعالیت‌های زنان است.

* کسندال TB با ارزش ۰/۶۹۷، ضریب همبستگی گاما با ارزش ۱/۰۰۰، ضریب همبستگی اسپیرمن با ارزش ۰/۷۲۷ و ضریب همبستگی پیرسون با ارزش ۰/۷۲۸.

کمک در زراعت و باغداری : در آن دسته از عشایر اسکان یافته که در کنار دامداری به زراعت و باغداری نیز مشغول هستند کمک در امر جمع‌آوری محصول زراعی و باغی برعهده زنان است.

تولید صنایع دستی : زنان با بافتن قالی، قالیچه، گلیم، جاجیم، خورجین، جوراب، چادر، زیرانداز، شال‌گردن و ... به منظور تأمین نیازهای شخصی و تهیه وسایل زندگی در کنار دیگر فعالیت‌ها به تولید این نوع کالاها نیز می‌پردازند. مواد اولیه این فرآورده‌ها عمدتاً از تولیدات دامی به‌ویژه پشم و کرک تهیه می‌شود، این صنایع در درجه اول در ارتباط با نیازها و موارد استفاده و در درجه دوم به فراخور نوع موادی که در دسترس دارند تولید می‌شود. در گذشته عشایر وسایل مورد نیازشان را از پشم، کرک، روده، پوست و شاخ دام‌های تولیدی خود تهیه می‌کردند ولی اکنون به استثنای ۱۵ درصد خانوارهای دوره بیلاقی و ۲۶ درصد خانوارهای دوره قشلاقی بقیه خانوارها کلیه محصولات دامی را در بازار می‌فروشند و از محل درآمد آن مایحتاج زندگی خود و همچنین مواد اولیه صنایع دستی را در بازار تهیه می‌کنند.

صنایع دستی و سنتی عشایر را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد :

- صنایع دستی‌ای که فقط برای رفع نیازهای مربوط به زندگی و کار خانوارهای عشایری تولید می‌گردد. مانند سیاه‌چادر، مشک، جوراب، کلاه، دستکش و ...
 - مصنوعات که علاوه بر مصرف داخلی خانوارهای عشایری نزد روستاییان و شهرنشینان خواهان دارد. مانند گلیم، قالی، قالیچه، پستی و ...
- چنان‌که اشاره شد مواد اولیه تولید صنایع دستی از تولیدات خود عشایر بوده و از محل فروش آن درآمد قابل توجهی از این حرفه عاید آنها می‌گردد.

• فعالیت‌های غیرتولیدی

منظور از انجام فعالیت‌های غیرتولیدی، ارائه محصول برای فروش نیست. این کارها عمدتاً جزو وظایف خانه‌داری زنان به‌شمار می‌روند و عبارتند از: پختن نان و تهیه خوراک، حمل و نقل آب از منبع تولید تا محل مصرف، نگهداری و مراقبت از کودکان و فرزندان خانوار و سایر امور خانه‌داری.

۴. چگونگی صرف وقت زنان عشایری

یافته‌های پژوهش در مورد فعالیت روزانه زنان در سه قلمرو گوناگون عشایری یعنی ییلاق، قشلاق و میان‌بند نشان می‌دهد فعالیت روزانه زنان در منطقه ییلاقی بیش از سایر مناطق است. زنان عشایر از زمانی که در منطقه ییلاقی (همدان) کوچ‌اندازی می‌کنند (اول اردیبهشت تا آخر شهریور) در طول روز فعالیت‌های بیشتری انجام می‌دهند. یافته‌های تحقیق با روش مشارکتی نشان می‌دهد زنان عشایر در منطقه ییلاقی به‌طور متوسط ۱۴ ساعت کار می‌کنند که این فعالیت‌ها شامل چرانیدن دام، نگهداری از سیاه‌چادر و دام، شیردوشی، تولید فرآورده‌های دامی و از همه مهم‌تر تولید صنایع دستی می‌باشد. دلیل پرکار بودن زنان عشایر در منطقه ییلاق حجم زیاد فعالیت‌ها در این دوره است.

فعالیت زنان در منطقه قشلاق به‌طور متوسط به ۹/۵ ساعت و در منطقه میان‌بند به ۸ ساعت تقلیل می‌یابد. دلیل کاهش فعالیت روزانه زنان در این دو منطقه، کمبود یا حذف فعالیت‌های صنایع دستی، تولید مواد لبنی و چرانیدن دام می‌باشد.

جدول شماره ۲. برنامه ساعات فعالیت روزانه زنان عشایر استان به تفکیک نوع فعالیت در مناطق مختلف

زمان انجام فعالیت روزانه			میزان فعالیت به ساعت			نوع فعالیت زنان
میان‌بند	قشلاق	ییلاق	میان‌بند	قشلاق	ییلاق	
عصر	ظهر	ظهر و عصر	۱	۱	۱/۵	شیردوشی
-	بعدازظهر	بعدازظهر	-	۲	۳	چرانیدن دام
-	-	شب و عصر	-	-	۴	نگهبانی ازسیاه‌چادر و دام
-	صبح و عصر	صبح و عصر	-	۰/۵	۰/۵	تولید مواد لبنی
-	صبح و عصر	صبح و عصر	-	۳	۲	تولید صنایع دستی
صبح و عصر	صبح و عصر	صبح و عصر	۲	-	۱	رسیدگی به‌امورفرزندان
صبح و عصر	صبح و عصر	صبح و عصر	۵	۳	۲	نظافت چادر و تدارکات
—	—	—	۸	۹/۵	۱۴	جمع ساعات فعالیت

۵. قومیت (زیست‌بوم) و مشارکت اقتصادی زنان عشایر

با توجه به این‌که زیست‌بوم‌های عشایری در موقعیت‌های گوناگون استان مستقر هستند و هر قلمرو زیست‌بوم عشایری منبعث از قومیت‌های خاصی است. به‌نظر می‌رسد زنان عشایری برخی از اقوام نسبت به زنان سایر اقوام در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت بیشتری دارند.

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۱، ۵۵/۳ درصد از زنان در فعالیت‌های اقتصادی عشایری مشارکت زیاد دارند. ۲۹/۳ درصد مشارکت متوسط و ۱۵/۴ درصد از زنان مشارکت کم دارند. در مجموع میزان مشارکت زنان در اقتصاد عشایری بیش از ۸۵ درصد می‌باشد. به‌نظر می‌رسد زنانی که خارج از سن فعالیت هستند در این گروه جای دارند. بین قومیت‌های گوناگون زنان و میزان مشارکت آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد. X^2 محاسبه شده (۵۳۵/۶۲۸) از X^2 جدول (۳۲/۹) با احتساب $\alpha=۰/۰۱$ و $df=۱۲$ بزرگ‌تر است.

جدول شماره ۳. رابطه بین قومیت (زیست‌بوم) و میزان مشارکت زنان عشایر در فعالیت‌های اقتصادی

نتیجه	مشارکت کم			مشارکت متوسط			مشارکت زیاد			میزان مشارکت زیست‌بوم		
	M ²	P _N	N	P ₂	P ₁	F	P ₂	P ₁	F		P ₂	P ₁
همدان		۳۶۳	۱۳۴			۰ (۲۰/۷)			۰ (۳۹/۲)	۶۵/۷	۱۰۰	۱۳۴ (۷۴/۱)
بهار		۴/۶	۱۷			۰ (۲/۶)			۰ (۵/۰)	۸۳	۱۰۰	۱۷ (۹/۴)
تویسرکان		۲۶۶	۹۸			۰ (۱۵/۱)	۴۱/۷	۴۹/۵	۴۵ (۲۸/۷)	۲۶۰	۵۴/۱	۵۳ (۵۴/۲)
ملایر		۳/۸	۱۴			۰ (۲/۲)	۱۳/۰	۱۰۰	۱۴ (۴/۱)			۰ (۷/۷)
نهایوند		۱۵/۷	۵۸	۱۵/۸	۱۵/۵	۹ (۹/۰)	۴۵/۳	۸۴/۵	۴۹ (۱۷/۰)			۰ (۳۲/۱)
اسدآباد		۹/۸	۳۶	۶۳/۲	۱۰۰	۳۶ (۵/۶)			۰ (۱۰/۵)			۰ (۲۰/۰)
رزن		۳/۲	۱۲	۲۱/۰	۱۰۰	۱۲ (۱/۹)			۰ (۳/۵)			۰ (۶/۶)
جمع	۵۳۵/۶۲۸	۱۰۰	۳۶۹	۱۰۰	-	۵۷			۱۰۸			۲۰۴

نتیجه‌گیری

سن فعالیتی که در متون برنامه‌ریزی و آمارنامه‌ها، ۶۵-۱۴ سال تعریف شده در جامعه عشایری صدق نمی‌کند زیرا جامعه زنان عشایر از همان اوان کودکی تا زمانی که توان کار کردن دارند در فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی مشارکت می‌کنند.

زنان در منطقه بیلاق در شبانه‌روز ۱۴ ساعت فعالیت دارند این میزان در منطقه قشلاق به دلیل کمک بیشتر مردان در امور مختلف زندگی روزانه به ۹/۵ ساعت و در میان‌بند به ۸ ساعت تقلیل می‌یابد.

قومیت‌های عشایری استان عبارتند از ترک‌ها، لرها، لک‌ها، فارس‌ها و کردها که زنان عشایری با قومیت لر یعنی ترکاشوند مشارکت تولیدی بیشتری نسبت به سایر زنان از قومیت‌های دیگر دارند.

در خانواده‌های عشایری مدت زمانی که زنان صرف پرداختن به امور زندگی روزمره می‌نمایند، قابل تعمق است زیرا که صرف ۸ تا ۱۴ ساعت از وقت زنان عشایر به فعالیت‌های روزانه نشانگر حجم کاری افزون‌تر آنها از یک‌سو و استراحت و فراغت کمتر آنها در مقایسه با مردان می‌باشد. این امر در درازمدت موجب پیری زودرس زنان عشایری می‌شود.

زنان در جامعه عشایری، تجارب عملی بسیار بالایی در تمام عرصه‌های کار دارند به طوری که در جامعه پرتحرک کوچندگی برای هر گروه سنی از زنان، فعالیت‌های مناسب وجود دارد و بیکاری زنان عشایر بسیار نادر است.

بنابراین برای تعیین جایگاه زنان عشایر در توسعه پایدار، اولویت این است که برنامه‌ریزان، با شناخت و آگاهی بیشتر به این جامعه و تحولات آن نگاه کنند. زنان عشایر هم توان و هم امکان مشارکت گسترده را در همه زمینه‌ها، به‌ویژه فعالیت‌های کنترل جمعیت، بهداشت و حفظ محیط زیست که به توسعه پایدار کمک بیشتری می‌رساند، دارا هستند.

به نظر می‌رسد در چارچوب نظریه تواناسازی زنان عشایر هنوز در مرحله اول یعنی «رفاه» قرار دارند. نرخ بسیار بالای بیسوادی زنان عشایر در جامعه مورد مطالعه در حد ۶۶ درصد نشان‌دهنده عدم دسترسی زنان به حداقل‌های رفاهی است. در حالی که سایر تحقیقات در مورد زنان روستایی ایران نرخ‌های باسوادی بالاتری را اعلام کرده و در برخی موارد پژوهش‌های انجام شده در چارچوب مفهومی تواناسازی، نشان می‌دهد در جوامعی خاص، زنان روستایی به مرحله مشارکت داوطلبانه دست یافته‌اند. در حالی که با توجه به میزان ساعات کار بسیار زیاد زنان عشایری و مشارکت ۸۵ درصدی آنها در فعالیت‌های اقتصادی می‌توان نتیجه گرفت که زنان عشایری محروم‌ترین گروه اجتماعی هستند. زنان عشایر در فراهم آوردن زمینه‌های انتقال فرهنگ و جامعه‌پذیری کودکان مشارکت دارند و علاوه بر این گردش امور اقتصاد تولیدی عشایر عملاً بدون کار ارزنده زنان عشایر ناممکن نیست.

منابع

- اداره امور عشایر استان همدان (۱۳۵۶)، *گزارش اجمالی عشایر استان*.
- اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی همدان (۱۳۶۵)، خلاصه مقالات همایش نقش زن خانه‌دار در توسعه.
- افشارنادری، نادر (۱۳۴۷)، «منوگرافی ایل بهمنی»، مؤسسه اطلاعات و تحقیقات اجتماعی، تهران.
- امان‌اللهی، سکندر (۱۳۷۴)، *کوچ‌نشینی در ایران*، آگاه، تهران.
- بازرگان، عباس، الهه حجازی و زهره سرمد (۱۳۷۶)، *روش‌های پژوهش در علوم و فناوری*، چاپ اول، پاییز.
- باقریان، میترا (۱۳۶۹)، «بررسی ویژگی‌های اشتغال زنان در ایران»، دفتر جمعیت و نیروی انسانی سازمان برنامه و بودجه.
- پیمان، حبیب‌الله (۱۳۷۴)، «توصیف و پژوهشی از سازمان اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ایل قشقایی»، انیستیتو تحقیقات بهداشتی، تهران.
- دفتر امور زنان ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) (۱۳۷۲)، *نقش زنان در توسعه*، انتشارات روشنگران، تهران.
- دفتر مطالعات و بررسی روش‌های ترویجی وزارت کشور (۱۳۷۶)، تلخیصی از گزارش نهایی طرح مطالعاتی بررسی وضعیت زنان روستایی کشور.
- سازمان برنامه و بودجه استان همدان (۱۳۷۰)، گزارش جامعه عشایری استان، گروه مهندسين تهران پژوهش.
- سازمان برنامه و بودجه استان همدان (۱۳۷۵ و ۱۳۷۶)، آمارنامه استان.
- سازمان برنامه و بودجه استان همدان (۱۳۷۷)، سرشماری اقتصادی - اجتماعی عشایر کوچنده کشور.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۰)، «بانک زنان روستای حصاربن: حاصل یک رهیافت مشارکتی»، *فصلنامه پژوهش زنان*، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دوره ۱، شماره ۲.

- شعبانعلی قمی، حسین (۱۳۷۳)، «نظریه‌های سیاستگذاری برای زنان در جهان سوم»، *مجله جهاد*، شماره ۱۶۹، آذر.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۷۶)، «مجموعه تفضیلی مأخذ عشایر ایرانی»، معاونت پژوهش و آموزش وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، تهران.
- طیبی، حشمت‌الله (۱۳۶۸)، «جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات عشایر»، تهران.
- کلاراکو، لیورامیس (۱۳۶۶)، «زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان»، اسدالله آزاد، مشهد آستان قدس رضوی.
- گزارش اقتصادی - اجتماعی استان (۱۳۷۰)، سازمان برنامه و بودجه.
- معزی، اسدالله (۱۳۷۱)، *مبانی جمعیت‌شناسی*، انتشارات آوای نور، تهران.
- موسوی‌نژاد، ابراهیم (۱۳۷۸)، «زنان عشایر در روند توسعه»، *فصلنامه ذخائر انقلاب*، شماره پیاپی ۲۲، تابستان.
- میشل، آندره (۱۳۶۵)، «جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج»، فرنگیس اردلان، تهران، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی.
- نمازی، محمدباقر (۱۳۷۱)، *مشارکت و تجهیز مردم در برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی*، سازمان برنامه و بودجه.
- همایونی، صادق (۱۳۵۷)، «یازده مقاله در زمینه فرهنگ عامه»، اداره کل فرهنگ و هنر فارس.
- یونیسف (۱۳۷۲)، اولین سمینار و کار گروهی مشترک دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و دفتر سازمان جهانی یونیسف در ایران، ۱۹ اردیبهشت، تهران.
- Dixon, M. (1989), "Women's Work in Third World Agriculture", ILO.
- Khaled Shams, Noeleon Heyzar (1980-88), "Banking on the Poor : The Lessons Learned", *Agricultural Information Development Bulletin*.
- United Nations (1986), "World Survey on the Role of Woman in Development", Dept of International Economic and Social Affairs.